

# روابط روسیه و اسرائیل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

□□ نوشته رابرت فریدمن\* - استاد علوم سیاسی دانشگاه بالتیمور

■ ■ ترجمه لی لا سازگار

می‌کرد. در منازعه ایران و عراق، اتحاد شوروی نخست متمایل به ایران و سپس متمایل به عراق بود، زیرا می‌خواست بیشترین نفوذ را در هر دو کشور داشته باشد. ولی در عین حال می‌کوشید مانع از آن شود که ایالات متحده تنها پشتیبان اعراب در برابر ایران به شمار آید.<sup>۱</sup>

در زمان برکناری گورباچف از قدرت و فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، اغلب سیاستهای شوروی نسبت به خاورمیانه دستخوش دگرگونی بزرگی شده بود. با شکست کودتای نافرجام ماه اوت که به گورباچف اجازه داد بسیاری از مخالفان سرسخت خود را از میان بردارد، این دگرگونی سرعت گرفت.<sup>۲</sup> این تغییر بیش از همه در محدوده روابط مسکو با اسرائیل اهمیت داشت. گورباچف نه تنها در اکتبر ۱۹۶۱ روابط کامل دیپلماتیک با اسرائیل را از سر گرفت، و در راه پشتیبانی از قطعنامه‌ای برای لغو قطعنامه «صهیونیسم یعنی نژادپرستی» سازمان ملل با ایالات متحده آمریکا همکاری کرد، بلکه امکان مهاجرت صدها هزار یهودی را به اسرائیل فراهم آورد. این کار، مخالفان عرب اسرائیل از جمله عراق و سوریه را نگران کرد، زیرا در نظر آنها مهاجران، که بسیاری از آنان تحصیلاتی عالی داشتند، به قدرت نظامی و علمی اسرائیل می‌افزودند، به رغم مخالفت گسترده اعراب، گورباچف اجازه داد سیل مهاجران ادامه یابد. گرچه او کارش را بر اساس حقوق بشر توجیه می‌کرد، ولی هدفش بیش از همه جلب نظر مساعد ایالات متحده بود.<sup>۳</sup>

در اکتبر ۱۹۹۲، مسکو نیز برای حمایت از کنفرانس صلح اعراب و اسرائیل در مادرید، با ایالات متحده آمریکا همکاری کرد. البته در کنفرانس مادرید این ایالات متحده بود که آشکارا نقش اصلی را بازی

بهبود آشکاری که در سه سال آخر دوره گورباچف ۱۹۸۸-۹۱ در روابط شوروی و اسرائیل آغاز شده بود، در دوره ۱۹۹۲-۹۴ ریاست جمهوری بوریس یلتسین ادامه یافت. مهاجرت در سطحی گسترده دنبال شد؛ روابط فرهنگی شکوفا گشت؛ تجارت، بویژه در زمینه کشاورزی توسعه یافت؛ و روابط سیاسی کاملاً عادی شد. با وجود فشار ضد اسرائیلی (یهودی ستیزی) جناح راست از گروههای سیاسی روسیه، یلتسین که در منازعه اعراب و اسرائیل موضعی بیطرف اختیار کرده بود، مناسباتش را با اسرائیل توسعه داد. او بویژه در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، برای حفظ موقعیتش در داخل کشور، کوشید از موضع روسیه به عنوان یکی از حامیان روند صلح خاورمیانه بهره برداری کند.

در دوره ریاست جمهوری میخائیل گورباچف، شاید سیاست خارجی شوروی جز در مورد اروپای بری، در مورد هیچ منطقه‌ای به اندازه خاورمیانه دستخوش دگرگونی نشد. هنگامی که در مارس ۱۹۸۵، گورباچف قدرت را در اتحاد شوروی به دست گرفت، خاورمیانه آشکارا منطقه رقابت ابرقدرتها بود. مسکو از کشورهایی چون الجزایر، عراق، لیبی، سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در رویارویی شان با اسرائیل پشتیبانی می‌کرد، و مصر را به عنوان متحد ایالات متحده آمریکا، دشمن می‌شمرد. اتحاد شوروی هیچ رابطه دیپلماتیکی با اسرائیل نداشت، مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی را به کمتر از هزار نفر در سال کاهش داده بود (در مقابل ۵۱۰۰۰ نفر در ۱۹۷۹)، و همچنان از شعار ضد اسرائیلی «صهیونیسم یعنی نژادپرستی» در قطعنامه ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل پشتیبانی

\* Robert O. Freedman, Israeli - Russia Relations since the Collapse of the Soviet Union, Middle East Journal, Vol 49. No.2. Spring 1995.

که در مهاجرت یهودیان به اسرائیل وقفه ایجاد شود. اگرچه با دردهای بسیار با تشکیلات دولتی گورباچف، قرارممدار مهاجرت آزادانه گذاشته شده بود،<sup>۵</sup> هیچ ضمانتی وجود نداشت که جانشینان او، بویژه در آسیای میانه و اوکراین، این خط مشی را ادامه دهند؛ نکته مهم دیگری که مورد توجه بود به دیپلماسی منازعه اعراب و اسرائیل مربوط می شد. تغییر مساعد در موضع شوروی نسبت به اسرائیل، موقعیت دیپلماتیک / سیاسی اسرائیل را هم در سراسر دنیا و هم در برابر دشمنان عرب آن کشور بسیار بالا برده بود. ولی در این مورد نیز ضمانتی وجود نداشت که این روند ادامه یابد، و سیاستگذاران اسرائیل بویژه نگران موضع سیاسی شش کشور مسلمانی (آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، و ازبکستان) بودند که از تجزیه اتحاد شوروی پدید آمده بودند؛ سرانجام اسرائیل نه تنها به حفظ بلکه به گسترش روابط دوجانبه ای امیدوار بود که به عنوان روابط تجاری و فرهنگی با بسیاری از این کشورهای تازه استقلال یافته برقرار کرده بود، و روسیه مهمترین آنها به شمار می آمد.

### روسیه و اسرائیل در ۱۹۹۲

درحالی که اسرائیل به روسیه و دیگر کشورهای جانشین اتحاد شوروی توجه زیادی نشان می داد برای بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه، دراصل مسائل خاورمیانه چندان اهمیت نداشت. اوقات و نیروی خود را صرف تحکیم قدرت خویش و جلب تأیید غرب، بویژه ایالات متحده می کرد. اومی خواست روسیه اصلی ترین میراث خوار مسئولیتهای بین المللی اتحاد شوروی، از جمله حق وتوی آن کشور در شورای امنیت سازمان ملل باشد. رجحانهای یلتسین زمانی روشن شد که او از حضور در مذاکرات چندجانبه صلح اعراب و اسرائیل که در اواخر ژانویه ۱۹۹۲ در مسکو انجام شد، خودداری کرد. از دهه ۱۹۷۰، هدف رهبران شوروی آن بود که مهماندار چنین کنفرانسی باشند. یلتسین به جای آن، جلب حمایت ملوانان روسی دریای سیاه و شرکت در گردهمایی آنان را برگزید. هرگاه مسائل مربوط به خاورمیانه مطرح می شد، یلتسین تقریباً در تمام موارد از ایالات متحده پیروی می کرد. به نظر می آمد رئیس جمهور روسیه نگران جلب نظر مساعد غرب است، و در ابتدا پیروی از ابتکارات ایالات متحده در سیاست خارجی را الگوی سیاست خارجی خود قرار می داد. بنابراین در مورد مسائل مربوط به منازعه اعراب و اسرائیل، عراق، و لیبی، یلتسین کاملاً از سیاستهای ایالات متحده پشتیبانی می کرد. در واقع دلیل حمله به سفارت روسیه در لیبی، حمایت مسکو از اقدام ایالات متحده به تحریم آن کشور بود، و روسیه برای کمک به سازمان ملل در اجرای طرح محاصره عراق، دو ناو جنگی آماده کرد.<sup>۶</sup> تنها استثناء بر این الگوی حمایت از سیاست ایالات متحده درخاورمیانه، فروش تسلیحات به ایران - دشمن ایالات متحده - بود که مسکو می خواست همکاری نزدیک با آن داشته باشد. به نظر می رسید تا پیش از نوامبر ۱۹۹۲ مسکو سیاست روشنی در مورد خاورمیانه نداشت. روسها که بیشتر نگران «کشورهای همجوار» (کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق) و روابطشان با ایالات متحده و اروپا بودند به منطقه خاورمیانه توجه چندانی نشان نمی دادند.<sup>۷</sup>

درچند سال آخر [حیات] اتحاد شوروی، روابط بسیار خوبی بین آن

○ بهبود آشکاری که در سه سال آخر دوره زمامداری گورباچف (۱۹۸۸-۹۱) در روابط شوروی و اسرائیل آغاز شده بود، در دوران ریاست جمهوری یلتسین هم ادامه یافته است.

○ در زمان برکناری گورباچف از قدرت و فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، بیشتر سیاستهای شوروی نسبت به خاورمیانه دستخوش دگرگونی شده بود و این دگرگونی بیش از همه در محدوده روابط مسکو با اسرائیل اهمیت داشت.

○ گورباچف نه تنها روابط کامل دیپلماتیک با اسرائیل را در اکتبر ۱۹۹۱ از سرگرفت و در راه پشتیبانی از قطعنامه ای برای لغو قطعنامه «صهیونیزم یعنی نژادپرستی» با ایالات متحده همکاری کرد، بلکه امکان مهاجرت صدها هزار یهودی از شوروی به اسرائیل را فراهم آورد. گرچه او این کار را در پوشش رعایت حقوق بشر توجیه می کرد، اما هدفش بیش از هر چیز جلب رضایت و آسینگتن بود.

می کرد، ولی حمایت مسکو از این کنفرانس نشانه دیگری از همکاری روبه افزایش ابرقدرتها یعنی ایالات متحده و اتحاد شوروی بود. گورباچف همچنین به تقویت مصر پرداخت، و آن کشور را به کانون اصلی سیاست شوروی در جهان عرب بدل ساخت. هم چنان که روابط شوروی و مصر از دشمنی به همکاری نزدیک می گرایید، پس از آنکه گورباچف از ارسال سلاحهایی که سوریه برای مقابله با اسرائیل نیاز داشت سر باز زد، روابط شوروی و سوریه سستی گرفت.

این مقاله تحول روابط روسیه و اسرائیل را از زمان فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ تا زمان قرارداد صلح اسرائیل با اردن در اکتبر ۱۹۹۴ بررسی می کند. درحالی که اسرائیل در پی گسترش روابطش با تمام کشورهای جانشین اتحاد شوروی بود، رابطه با روسیه بیش از همه برای اسرائیل اهمیت داشت. روسیه از نظر قدرت دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی با فاصله زیادی از تمامی آن کشورها مهمتر بود. روسیه کرسی اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل (با حق وتو) را به ارث برده بود. بیشترین جمعیت یهودیان شوروی سابق نیز در روسیه مستقر بودند و اسرائیل امید داشت آن یهودیان سرانجام مهاجرت به اسرائیل را برگزینند.

دولت اسرائیل در زمان نخست وزیر اسحاق شامیر در زمینه فروپاشی شوروی به چهار نکته توجه داشت: نخست، از آن می هراسید که به علت شرایط اقتصادی بسیار دشوار تقریباً تمام کشورهای جانشین شوروی، سلاحهای هسته ای موجود در بیلوروسی، قزاقستان، روسیه و اوکراین به دشمنان اسرائیل درخاورمیانه از جمله ایران، عراق، لیبی و سوریه فروخته شود و دانشمندان علوم هسته ای شوروی سابق به دلیل حقوق بسیار بیشتری که می توانستند در این کشورها دریافت کنند، خدمت به آنها را بپذیرند؛ دوم، دولت اسرائیل بیم داشت

○ در حالی که اسرائیل به روسیه و دیگر کشورهای جانشین اتحاد شوروی توجه زیادی نشان می‌داد، برای بوریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه، مسائل خاورمیانه اساساً چندان اهمیت نداشت. او وقت و نیروی خود را صرف تحکیم میانی قدرت خویش و به دست آوردن تأیید غرب، بویژه ایالات متحده، می‌کرد.

○ سیاست‌های داخلی کنونی روسیه، اگر عامل مهمی نباشد، دستکم به صورت عاملی در خور توجه در زمینه سیاست خارجی آن کشور نسبت به اسرائیل درآمده است. ظهور جدی ژیرینوفسکی یهودستیز و ضد اسرائیل در انتخابات پارلمانی، نشانه آن است که نیروهای مخالف برقراری روابط نزدیک بین روسیه و اسرائیل هنوز در صحنه سیاسی روسیه قدرتمندند.

راسلن خاسبولاتف<sup>۱۶</sup> طرفدار نوعی سیاست خارجی بودند که فقط به ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی توجه نکند، بلکه بازتاب موضع متوازی نسبت به تمام مناطق جهان باشد. اغلب افراد این گروه نیز نسبت به روابط حسنه با اسرائیل نظر مساعد داشتند، ولی در ضمن خواستار ادامه روابط با دنیای غرب نیز بودند. در زمینه سیاست داخلی، میانه‌روها در عین حال که با اصلاحات موافقت داشتند، از روند کندتری برای خصوصی‌سازی دفاع می‌کردند. سرانجام در جناح راست این طیف سیاسی، ترکیبی از کمونیستهای سرسخت و ملت‌گرایان افراطی قرار داشت. آنان از نظر خط‌مشی اقتصادی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، ولی همگی خواستار روسیه‌ای قدرتمند و به شدت متمرکز بودند که (۱) فعالانه از روسیه‌هایی که در «کشورهای همجوار» می‌زیستند پشتیبانی کند؛ (۲) یکی از قدرتهای بزرگ جهان باشد؛ و (۳) نسبت به ایالات متحده آمریکا که از نظر آنان دشمن اصلی روسیه به‌شمار می‌آمد، رویکردی برپایه رویارویی داشته باشد. ولادیمیر ژیرینوفسکی<sup>۱۷</sup> یهودی‌ستیز و ضد اسرائیلی که در انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن ۱۹۹۱ در مقام سوم قرار گرفته بود، از مدافعان این موضع به‌شمار می‌آمد. در حالی که هم‌گروه هواداران یلتسین و هم‌میانه‌روها در پارلمان از روابط حسنه با اسرائیل پشتیبانی می‌کردند، راست‌گراهای افراطی به شدت با اسرائیل مخالف بودند. ژیرینوفسکی که در آن زمان در پارلمان نبود، به هنگام جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، «داوطلبانی» را از حزب خود برای کمک به عراق در رویارویی با ایالات متحده و اسرائیل روانه کرد. در دو سال بعدی، هم‌چنان که ستیزه بین یلتسین و مخالفانش در پارلمان بالا می‌گرفت، موضوع رابطه روسیه و اسرائیل به عاملی در این ستیزه بدل گردید و برخی از میانه‌روها از جمله خاسبولاتف در تلاش برای براندازی یلتسین با راست‌گراهای افراطی همدست شدند.

به‌رغم این انتقادات، در ۱۹۹۲ یلتسین توانست بدون روبروشدن با مخالفتی جدی، ابتکارات مهم خود در سیاست خارجی، از جمله گسترش سریع مناسبات با اسرائیل را، دنبال کند. گواه این گسترش سریع مناسبات دیدار الکساندر روتسکوی،<sup>۱۸</sup> معاون رئیس‌جمهور

کشور و اسرائیل ایجاد شده بود. در دوره یلتسین نزدیکی روسیه و اسرائیل ادامه یافت، زیرا مسکو، هم در پی منافع اقتصادی و هم در جستجوی بهره‌های سیاسی این ارتباطات روبه‌فزونی با دولت یهود بود. بنابراین هنگامی که مذاکرات صلح چندجانبه اعراب و اسرائیل در مسکو آغاز شد، روسیه مانند کنفرانس مادرید، بازم از خواسته‌های اسرائیل در مورد جلوگیری از شرکت ساف در مذاکرات حمایت کرد.<sup>۸</sup> پس از کنفرانس مسکو، ایزوستیا مصاحبه‌ای با دیویدلوی،<sup>۹</sup> وزیر امور خارجه اسرائیل چاپ کرد که در آن لوی دستاوردهای کنفرانس را ستوده بود. او با توجه به گفتگوهایش با وزیر امور خارجه روسیه، اندره یی کوزیرف،<sup>۱۰</sup> که در آن زمان مدافع برجسته روابط نزدیک با ایالات متحده و اسرائیل بود، آینده روابط روسیه و اسرائیل را نیز مثبت ارزیابی کرد.<sup>۱۱</sup> در این میان، لوی در مراسم سابات در کنیسه مرکزی حضور یافت و یهودیان روسیه را به مهاجرت به اسرائیل تشویق کرد.<sup>۱۲</sup>

پس از کنفرانس مادرید، بهبود روابط روسیه و اسرائیل به صورت دوجانبه ادامه یافت: سفیر روسیه در سازمان ملل خواستار پشتیبانی اسرائیل از ورود جمهوریهای شوروی سابق به سازمان ملل شد؛ به مؤسسه یادواشم<sup>۱۳</sup> (یادواره کشتار یهودیان) اجازه نسخه‌برداری از اسناد مربوط به یهودیان، از آرشیو حزب کمونیست، داده شد؛ رئیس فرهنگستان علوم طبیعی روسیه پیشنهاد کرد این فرهنگستان شعبه‌ای در اسرائیل تأسیس کند؛ و ناتان (اناتولی) شارانسکی،<sup>۱۴</sup> از نام‌آورترین پناهندگان سیاسی که اکنون در اسرائیل زندگی می‌کند، از اتهام جاسوسی برای ایالات متحده تبرئه شد. جالب است که حتی پیش از کنفرانس مادرید، در اوائل ژانویه ۱۹۹۲، هیئتی روسی به اسرائیل سفر کرد تا مسئله جذب مهاجران را بررسی کند. به دلیل بی‌ثباتی اوضاع خارج از روسیه در شوروی سابق، و احساسات ضد روسی فزاینده در آن مناطق، بویژه در کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته‌ای چون تاجیکستان و ازبکستان، دولت روسیه با مسئله مهم پناهندگی روبرو بود، زیرا بخش زیادی از گروه‌های قومی روسی می‌خواستند به روسیه بازگردند. دولت روسیه برای گرفتن کمک به سازمان اسرائیلی یهود روآورد، که در زمینه اسکان مهاجران یهودی از سراسر دنیا در اسرائیل تجربه زیادی داشت، و امیدوار بود برای بسیاری از یهودیانی که هنوز در روسیه می‌زیستند سرپناهی فراهم آورد. سازمان یهود علاقه بسیار داشت که به هیئت روسی کمک کند.<sup>۱۵</sup>

در حال دیری نگذشت که بهبود سریع روابط شوروی و اسرائیل مورد اعتراض قرار گرفت. پس از آنکه ضربه اولیه فروپاشی اتحاد شوروی از میان رفت، انتقاد از سیاستهای خارجی و داخلی یلتسین بالا گرفت. از او، بویژه به دلیل اشتیاقش به پیروی از الگوی ایالات متحده در اغلب موضوعهای مربوط به سیاست خارجی، و به علت تلاشش برای خصوصی‌سازی سریع اقتصاد روسیه انتقاد می‌شد. مفر مخالفان پارلمان روسیه بود که اعضای آن چندسال پیشتر یعنی در زمانی برگزیده شده بودند که روسیه هنوز یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی به‌شمار می‌آمد. در پارلمان، اصولاً سه گروه عمده وجود داشت، در جناح چپ طیف سیاسی، گروه قانونگذاران هوادار یلتسین قرار داشتند که از سیاست خارجی متمایل به غرب او - از جمله دفاعش از برقراری روابط نزدیک با اسرائیل - و تلاشش در راه خصوصی‌سازی اقتصاد روسیه پشتیبانی می‌کردند. در میانه طیف سیاسی گروهی از قانونگذاران بودند که در سیاست خارجی از اهمیت «اوراسیا» دفاع می‌کردند. این میانه‌روها به رهبری رئیس مجلس

یاری دهیم تا موضعهایشان را به هم نزدیک کنند.<sup>۲۹</sup> کوزیرف قول داد موضع اسرائیل را به وزیر امور خارجه سوریه که بنا بود در اوایل سپتامبر از مسکو دیدن کند توضیح دهد. پرز گفت امیدوار است دولت روسیه به ایفای نقش تثبیت کننده اش در خاورمیانه ادامه دهد، و روسیه را به خاطر تلاشهایش در راه کنترل تمایلات یهودی ستیز ستود. او نگرانی خود را در مورد فروش اسلحه به کشورهای عربی از سوی روسیه اعلام کرد.<sup>۳۰</sup> در کنفرانسی مطبوعاتی که در وزارت امور خارجه روسیه برگزار شد، پرز همچنین تأکید کرد که روسیه، به دلیل مناسبات نزدیکش با جهان عرب، می تواند به بهبود روابط اسرائیل و همسایگانش کمک کند. روسیه همچنین می تواند با فراهم ساختن مقدمات همکاری برای پروژه های مشترک اقتصادی، مثل تأسیسات شیرین کردن آب، به صلح یاری رساند. در کمتر از یک ماه، پرز و کوزیرف تفاهم نامه ای در نیویورک امضاء کردند که خواستار بهبود بیشتر روابط روسیه و اسرائیل، و همکاری فزاینده آنها در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی بود. پرز و کوزیرف اعلام کردند قصد دارند تماس سیاسی بین روسیه و اسرائیل را در تمام سطوح، از جمله در سطح پارلمانی، گسترش دهند. این قرارداد تقویت مناسبات تجاری، اقتصادی، علمی و فنی را «از هر راه ممکن» مطرح می کرد، و در ضمن به تشویق طرح های سرمایه گذاری مشترک و همکاری روسیه و اسرائیل در زمینه های تجاری مورد علاقه دو کشور توجه داشت. سرانجام در تفاهم نامه مشترک آمده بود که دو وزیر امور خارجه توجه اصلی خود را به مذاکرات صلحی که در جریان است معطوف دارند و روسیه به عنوان پشتیبان روند صلح، فعلاً نه به برقراری ارتباط نزدیکتر بین طرفهای درگیر در گفتگوهای صلح ادامه دهد.<sup>۳۱</sup>

در پایان سال ۱۹۹۲، روند صلح خاورمیانه با موانعی چند روبرو شد، که دلیل آن تا حدودی، بروز زدو خوردی بود که در نوامبر ۱۹۹۲، در «نوار امنیتی» اسرائیل، در لبنان در گرفت، و در دسامبر اسرائیل بیش از ۴۰۰ نفر از رزمندگان حماس را به جرم برانگیختن حمله های روز افزون به اسرائیلیها در نوار غزه و بطور کلی اسرائیل اخراج کرد. به رغم این مسائل، شوروی در برابر اسرائیل جبهه نگرفت و بی طرف باقی ماند. وزارت امور خارجه شوروی در اعلامیه ای به «نگرانیهای جدی» روسیه در مورد منازعات نوامبر در لبنان اشاره کرد و از همه طرفهای درگیر در جنگ جنوب لبنان خواست «نهایت خویشتن داری» را نشان دهند.<sup>۳۲</sup> به همین منوال وزارت امور خارجه روسیه در اطلاعیه ای که پس از اخراج رزمندگان حماس انتشار داد، اشاره کرد که روسیه امیدوار است طرفین نهایت خویشتن داری را در اعمالشان نشان دهند، و انتظار دارد مسئله اخراج صدها فلسطینی با در نظر گرفتن منافع واقعی هر دو طرف، یعنی اسرائیلیها و فلسطینیها، هر چه زودتر سامان گیرد.<sup>۳۳</sup>

به رغم کشش آشکاری که به سوی جناح راست در حکومت روسیه پدید آمده بود، و بازتاب آن در اقدام نمایندگان کنگره نمایندگان خلق در دسامبر ۱۹۹۲ مشهود بود که یلتسین را وا داشتند ویکتور چرنومیردین<sup>۳۴</sup> را در مقام نخست وزیر جانشین بگیرد کند، شائیم بار - لو<sup>۳۵</sup> سفیر اسرائیل در روسیه همچنان به روابط روسیه و اسرائیل خوشبین بود. بار - لو در مصاحبه روز سال نو ۱۹۹۳، مدعی شد که «روی هم رفته اسرائیل در اینجا (روسیه) محبوب است»، و گمان نمی رود تغییر نخست وزیران اثری بر مناسبات روسیه و اسرائیل داشته باشد. او امیدوار بود که روسیه به اعراب بفهماند که آنها، و به ویژه فلسطینیان، ناگزیرند برای برقراری صلح امتیازاتی بدهند.<sup>۳۶</sup>

روسیه، از اسرائیل در ۱۹۹۲ بود؛ که وی در آن زمان هنوز از متحدان یلتسین به شمار می رفت. روتسکوی در فرودگاه اظهار داشت: «به دلیل شمار زیاد روسهایی که اکنون در اسرائیل زندگی می کنند، این کشور برای ما بسیار اهمیت دارد. آنها پلی بین ما هستند که می توانند به گسترش روابط دو کشور کمک کنند.» در مراسمی دیگر او باز تأکید کرد که: «اسرائیل و روسیه فرصت بزرگی برای گسترش همکاری دوجانبه و روابط ثمر بخش در اختیار دارند.»<sup>۳۷</sup> در نتیجه دیدار روتسکوی، روابط دوجانبه بین روسیه و اسرائیل بهبود یافت. یک یادداشت تفاهم برای همکاری در زمینه کشاورزی امضاء شد، که روتسکوی درباره آن گفت: «چشم انداز گسترده ای برای تجارت در زمینه کشاورزی می گشاید.»<sup>۳۸</sup> پس از دیدار روتسکوی، انتخابات اسرائیل برگزار شد. اسحاق رابین رهبر حزب کارگر برنده این انتخابات بود. او به تندی حکومتی ائتلافی تشکیل داد که به نظر می رسید روند صلح را پیش ببرد. رابین برای نشان دادن حسن نیت خود به فلسطینیان دست به اقداماتی زد، از جمله ۸۰۰ زندانی را آزاد کرد، و خانه سازی برای اسرائیلیها در اغلب سرزمینهای اشغالی را متوقف ساخت. در ۱۷ ژوئیه یک ایستگاه عرب زبان رادیو مسکو اقدام رابین را ستود و اشاره کرد که «شرایط بسیار مساعدی برای دستیابی به نتیجه های واقع بینانه» در زمینه حل و فصل مشکل صلح خاورمیانه ایجاد شده است.<sup>۳۹</sup> در پی این اقدامات، جیمز بیکر وزیر امور خارجه ایالات متحده از اسرائیل دیدار کرد، و پس از آن به نظر می رسید که روند صلح خاورمیانه شدت گرفته است.

وزیر امور خارجه شوروی برای حفظ بی طرفی، در نیمه ژوئیه محمود عباس، عضو کمیته اجرایی ساف را به مسکو دعوت کرد و قول داد که تعامل میان روسیه و فلسطین در زمینه بسیاری از مسائل ادامه یابد.<sup>۴۰</sup> در ۲۴ ژوئیه، وزیر امور خارجه روسیه در گزارشی بار دیگر رابین را به گرمی ستود. او اشاره کرد که ویکتور پوسوالیوک، رئیس بخش خاورمیانه و آفریقای وزارت خارجه روسیه نیز مانند بیکر برای پیگیری روند صلح برنامه ای برای دیدار از خاورمیانه ترتیب داده است.<sup>۴۱</sup> پوسوالیوک پس از بازگشت در گزارشی به تاریخ ۱۴ اوت اظهار داشت که چون تثبیت وضع نظامی و سیاسی خاورمیانه و برقراری صلحی پایدار مستقیماً به منافع ملی روسیه مربوط می شود، این کشور سیاستی فعال در این منطقه در پیش خواهد گرفت. او درباره نقش گفتگوهای چند جانبه به بحث پرداخت، و اشاره کرد که از روسیه خواسته شده «جوی مثبت برای گفتگوهای دوجانبه فراهم آورد و به شکل گرفتن بنیاد همکاری منطقه ای کمک کند.»<sup>۴۲</sup> پوسوالیوک نقش روسیه در روند صلح را نیز مورد تأکید قرار داد و اشاره کرد که شیمون پرز وزیر امور خارجه وقت اسرائیل به زودی با آندره یی کوزیرف،<sup>۴۳</sup> وزیر امور خارجه روسیه، دیدار خواهد کرد.

کمتر از یک هفته پس از اظهارات پوسوالیوک، و در آستانه آغاز مجدد گفتگوهای دوجانبه صلح در واشینگتن، پرز دیداری چهار روزه از روسیه را شروع کرد. او پس از دیدار با کوزیرف، روتسکوی و ایگور گیدر،<sup>۴۴</sup> سفر کوتاهی به زادگاه خود در بیلوروسی کرد. پرز نیز مانند سلف خود دیوید لوی در مراسم سبات در کنیسه مرکزی مسکو حضور یافت، و در آنجا یهودیان روسیه را به مهاجرت به اسرائیل فراخواند.<sup>۴۵</sup> کوزیرف از دیدار پرز بهره برداری کرد تا بر اهمیت روسیه در روند صلح خاورمیانه تأکید کند. او اشاره کرد که «ما در خاورمیانه خواستار صلح هستیم، نقش میانجی صادقی را بازی می کنیم، و می کوشیم به طرفین

## روسیه و اسرائیل در ۱۹۹۳

به رغم دوری گزینی موقتی یلتسین از ایالات متحده در ماههای نخست سال ۱۹۹۳، به نظر می‌رسید که شاید خوشبینی بار-لو بی‌بایه نبوده است. در ژانویه ۱۹۹۳، یلتسین در تلاشی ظاهری برای جلب حمایت منتقدان میانه‌روی خود در پارلمان، از کوزیرف، وزیر امور خارجه اش که هوادار ایالات متحده بود، فاصله گرفت، و برای روسیه در مقام «کشوری اوراسیائی» خط مشی «متوازی» اعلام کرد. او بمباران عراق از سوی ایالات متحده آمریکا را نیز، که در همان ماه از سر گرفته شده بود، محکوم کرد و اعلام داشت فشار ایالات متحده مانع امضای قرارداد مربوط به تکنولوژی موشکی با هند نخواهد شد.<sup>۳۷</sup> در حالی که روابط روسیه و ایالات متحده به سردی می‌گرایید، روابط روسیه و اسرائیل همچنان بهبود می‌یافت. خاسبولاتف که در آن زمان مخالف جسور یلتسین بود، در اوایل ۱۹۹۳ در سفر خاورمیانه‌اش از اسرائیل نیز دیدار کرد. او در ملاقات با رابین پشתיبانی خود از گسترش «همکاری تجاری» بین روسیه و اسرائیل در «زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و دیگر زمینه‌ها» اعلام داشت.<sup>۳۸</sup> خاسبولاتف اثر اخراج مبارزان حماس را بی‌اهمیت جلوه داد و اظهار داشت که این رخداد نباید در گفتگوهای صلح وقفه ایجاد کند، زیرا اسرائیل «به راستی مشتاق توفیق گفتگویش با اعراب است».<sup>۳۹</sup>

روابط روسیه و اسرائیل در اوایل بهار ۱۹۹۳ نیز همچنان محکم بود. روسیه از موافقتنامه اسرائیل و ایالات متحده مبنی بر بازگشت اخراج‌شدگان حماس در عرض یک سال پشתיبانی می‌کرد، تا مانع از آن شود که سازمان ملل بازهم اسرائیل را محکوم کند. روسیه همراه ایالات متحده خواستار دور تازه‌ای از مذاکرات اعراب و اسرائیل شد که به دلیل اخراج رزمندگان حماس متوقف گشته بود و سپس تصمیم به پی‌گیری مذاکرات در اواخر آوریل را ستود. در این میان که مناسبات دیپلماتیک همچنان استوار بود، روسیه و اسرائیل به گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی‌شان ادامه دادند. در فوریه، دولت روسیه پیش‌نویس قراردادی در زمینه همکاری علمی و فنی با اسرائیل را تصویب کرد، گرچه هنوز بنا بود درباره یک قرارداد تجاری رسمی مذاکره شود.<sup>۴۰</sup> یک ماه بعد در مسکو اعلام شد که کارشناسان اتمی روسیه در حال مذاکره برای ساختن تأسیسات هسته‌ای شناور در اسرائیل هستند تا مسئله شیرین کردن آب دریا را حل کنند. در آوریل یائیر سابان،<sup>۴۱</sup> وزیر امور جذب یهودیان، با آتاتولی سوپچاک<sup>۴۲</sup> شهردار سن پترزبورگ دیدار کرد تا درباره مناسبات فرهنگی اسرائیل با سن پترزبورگ، که از آنجا هزاران یهودی به اسرائیل مهاجرت کرده بودند، گفتگو کند.<sup>۴۴</sup>

هر قدر روابط روسیه و اسرائیل عمیق‌تر می‌شد، ستیزه بین یلتسین و مخالفانش در پارلمان شدت می‌گرفت، و مناسبات روسیه و اسرائیل بخشی از این رویارویی بود. در ۱۳ مارس ۱۹۹۳، پراودا که بیشتر نظر محافظه‌کاران روسی را منعکس کرده بود، و اکنون به ارگان اصلی جناح راست روسیه بدل شده بود، دولت روسیه را به علت پیروی از الگوی ایالات متحده در منازعه اعراب و اسرائیل محکوم کرد. پراودا متذکر شد که از زمان تجزیه شوروی، نظر نماینده روسیه در سازمان ملل در مورد وضع خاورمیانه با نظر نماینده ایالات متحده آمریکا که گاهی هم بی‌معنا بوده، هرگز تفاوت نداشته است.<sup>۴۵</sup> سپس هم‌چنان که تاریخ همه‌پرسی بحرانی درباره آینده یلتسین نزدیک می‌شد، پراودا از

○ در حالی که منازعه اعراب و اسرائیل در سیاست اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه اهمیت زیادی داشت، در روسیه امروز، روابط با اسرائیل و بیشتر کشورهای عرب - جز کشورهای عرب حوزه خلیج فارس که بازاری برای سلاحهای روسی و منبعی برای استقراض به شمار می‌روند - اهمیتی ثانوی دارد. گسترش مناسبات با «کشورهای همجوار» و چین، اروپا و ایالات متحده از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی روسیه است.

○ اگر نیروهای جناح راست در روسیه قدرت را به دست گیرند، روابط روسیه هم با اسرائیل و هم با ایالات متحده آمریکا به شدت لطمه خواهد خورد.

اسرائیل به دلیل نفوذ «فراوانش» بر روسیه و پشתיبانش از یلتسین انتقاد می‌کرد.<sup>۴۶</sup>

پیروزی یلتسین و شکست پارلمان در همه‌پرسی، از شدت حملات پارلمان به یلتسین نکاست. شماری از میانه‌روهای پارلمان، از جمله خاسبولاتف و همدست اوروتسکوی، معاون رئیس‌جمهور، در طول بهار و تابستان ۱۹۹۳، با گروه «سرخ - قهوه ایهایی» کمونیست و فاشیست و جناح راست طیف سیاسی روسیه که یهودی ستیز و ضد اسرائیلی بودند، هم‌پیمان شدند.

یلتسین که پس از پیروزی در همه‌پرسی نیرومندتر شده بود، به موضع پیروی از ایالات متحده بازگشت، و این کار موجب شد که در تابستان، تفرقه بین مخالفان و یلتسین افزایش یابد. کوزیرف از حمله ماه ژوئن ایالات متحده به مقر فرماندهی سازمان اطلاعاتی عراق در بغداد، که در پاسخ به تلاش عراق برای ترور جرج بوش، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، صورت گرفته بود، حمایت کرد. یلتسین تسلیم خواسته‌های ایالات متحده شد و موافقت کرد که تکنولوژی هسته‌ای در اختیار هند نگذارد. مخالفان یلتسین این تصمیمات را به شدت محکوم کردند. کلنل ویکتور الکسنیس،<sup>۴۷</sup> یکی از مخالفان او از جناح راست، از ترس آنکه یلتسین به استقرار نیروهای ایالات متحده در بلندیهای جولان رضایت دهد، در مورد اعزام نیرو به جولان به عنوان بخشی از هرگونه قرارداد صلح بین سوریه و اسرائیل به ایالات متحده هشدار داد. او اعلام داشت که این گونه صف‌آرایی «به معنای نادیده گرفتن منافع استراتژیک روسیه است. این کار را باید ایجاد پایگاه نیروهای آمریکائی برای مداخله در خلیج فارس تلقی کرد».<sup>۴۸</sup>

پس از آنکه در اواخر ژوئیه ۱۹۹۳، در جنوب لبنان، جنگ بین نیروهای اسرائیلی و حزب‌الله بالا گرفت، رهبران اسرائیل و ساف با توافق خود در مورد بیانیه اصول صلح دنیا را شگفت‌زده کردند. این موافقتنامه در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳،<sup>۴۹</sup> با حضور وزیر امور خارجه روسیه، آندره‌یی کوزیرف در چمن کاخ سفید به امضا رسید. گرچه در واقع روسیه نقش چندانی در عقد قرارداد نداشت، وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه ایالات متحده دقت می‌کرد که کوزیرف را هم تراز خود به شمار آورد. کوزیرف، شاید به این دلیل که می‌خواست به مخالفان یلتسین و بقیه جهانیان نشان دهد که روسیه هنوز نقشی اساسی در خاورمیانه بازی می‌کند، درباره قرارداد چنین اظهار نظر کرد:

اصلاح طلب در روسیه، هم کمونیستها و هم حزب لیبرال دموکرات یهودستیز و ضداسرائیلی ژیرینوفسکی آراء بسیاری در انتخابات به دست آوردند. درعمل، حزب ژیرینوفسکی، از نامزد حزب مردم، یعنی ایگورگیدار که هوادار یلتسین بود بیشتر رای آورد.<sup>۵۷</sup> برخی از ناظران حمایت از ژیرینوفسکی را بیشتر نوعی رای مخالف به اقتصاد رو به زوال روسیه و فروپاشی اتحاد شوروی در مقام یک ابرقدرت به شمار آوردند تا رأی در حمایت از فاشیسم یا یهودی ستیزی.<sup>۵۸</sup> جالب این بود که پس از انتخابات معلوم شد ژیرینوفسکی که ظاهراً پدرش یهودی بوده در سال ۱۹۸۳ تقاضای دعوتنامه‌ای برای مهاجرت به اسرائیل کرده بوده است.<sup>۵۹</sup>

با وجود پیروزی ژیرینوفسکی در انتخابات ماه دسامبر، یلتسین نیز به دلیل تأیید شدن قانون اساسی پیشنهادیش موقعیتی به دست آورد. ظاهراً احتمال می‌رفت که پارلمان جدید نیز تقریباً به اندازه پارلمان پیشین یلتسین را به مبارزه بطلبد. دوما، مجلس سفلی، که در کنترل ائتلافی از کمونیستها و ملت‌گرایان جناح راست بود، در یکی از نخستین اعلامیه‌هایش نه تنها شرکت کنندگان در شورش اکتبر ۱۹۹۳ در برابر یلتسین را بخشید، بلکه کسانی را نیز که در کودتای نافرجام ۱۹۹۱ بر ضد گورباچف شرکت داشتند، عفو کرد.

### روسیه و اسرائیل در ۱۹۹۴

یلتسین برخلاف الگوی رویارویی در روابطش با پارلمان پیشین، در پی برقراری نوعی سازش موقتی با پارلمان جدید بود. او گیدار ستیزه‌جو را از دولتش کنار گذاشت، و سیاستی خارجی مستقل از ایالات متحده در پیش گرفت، و از جمله دلایل این کار ساکت کردن مخالفان پارلمانی میانه‌رو و راست‌گرایش بود. او در حمایت از منافع روسیه در «کشورهای همجوار» بسیار قاطع تر شده بود، و برای جلب همراهی دولت‌های سرسختی چون آذربایجان، گرجستان، و قزاقستان از فشارهای اقتصادی و نظامی بهره می‌گرفت. افزون بر این، او در بوسنی آشکارا به مقابله با ایالات متحده پرداخت، و (البته با کمک انگلستان و فرانسه) با موفقیت برنامه‌های بیل کلینتون را در مورد اقدام نظامی تنبیهی در مورد صربهای بوسنی و رژیم صربی اسلو بودان میلوسویچ<sup>۶۰</sup> کنترل کرد. مداخله روسیه در دیپلماسی بوسنی، برخلاف جنگ سرد، اثری هرچند موقت، ولی مثبت داشت. این مداخله صربهای بوسنی را قانع کرد که دست از محاصره سارایوو بردارند. یلتسین به گونه یکجانبه در روند صلح خاورمیانه نیز دخالت کرد، هرچند به نظر می‌رسید هدف او از این کار بیشتر راضی کردن مخالفانش در داخل باشد تا اینکه به راستی به چالش با روند صلح عرب - اسرائیلی به رهبری ایالات متحده برخیزد. در پی واقعه ۲۵ فوریه در هبرون<sup>۶۱</sup> که در آن یک مهاجر اسرائیلی دیوانه، ۲۹ عرب در حال نیایش را در محل مورد منازعه مسجد ابراهیم در شهر الخلیل<sup>۶۲</sup> به قتل رساند، یلتسین بی‌هماهنگی با ایالات متحده، به منظور نجات گفتگوهای صلح، خواستار بازگشت به نتایج کنفرانس مادرید شد. او درخواست کرد ناظران بین‌المللی برای حمایت از فلسطینیان مداخله کنند. ساف از این موضع پشتیبانی و اسرائیل آن را رد کرد. یلتسین برای گفتگو با رهبران ساف و اسرائیل، نمایندگانی، از جمله کوزیرف وزیر امور خارجه را به تونس و به بیت المقدس فرستاد. سرانجام، او هم

ما به یاران خود در غرب و هم‌چنین به اسرائیلیها گفتیم که در سالهای اخیر ساف تحولات چشمگیری یافته و [رئیس ساف یاسر] عرفات، خود به رهبری پخته بدل شده که تصمیمات سیاسی بسیار مهمی اتخاذ کرده است.... ما بیشتر هم با عرفات کار کرده‌ایم و او را مورد پشتیبانی قرار داده‌ایم. امروز پس از عقد قرارداد، او را در غرب نیز به رسمیت شناخته‌اند.... نباید فراموش شود که در جهان عرب، روابط با ایالات متحده همواره مثبت بوده است، و برای مسکو نیز حائز اهمیت است که از تصمیمات جدید حمایت کند.<sup>۵۰</sup>

آنا تولی آدامشین،<sup>۵۱</sup> معاون اول وزیر امور خارجه روسیه، به منظور تأکید بر نقش پایدار مسکو در خاورمیانه، در اواسط سپتامبر به سفر دور خاورمیانه رفت و در ۱۹ سپتامبر از اسرائیل دیدن کرد. او به دیدار رابین و وایزمن نخست‌وزیر اسرائیل رفت و آمادگی روسیه را برای «حمایت همه‌جانبه از اجرای مؤثر بیانیه اصول صلح اسرائیل با فلسطین و گسترش حوزه توافق بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین» اعلام کرد.<sup>۵۲</sup> آدامشین نیز مانند کوزیرف بر نیاز پیشرفت در روابط بین اسرائیل با سوریه و لبنان تأکید کرد.

دوروز پس از دیدار آدامشین از اسرائیل، توجه روسیه از اسرائیل به رویارویی یلتسین با دشمنانش در پارلمان معطوف شد. در ۲۱ سپتامبر، یلتسین که از کارشکنیهای دائمی پارلمان در مورد برنامه‌های داخلش به تنگ آمده بود، فرمان انحلال آن را صادر کرد و دستور داد در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۳ انتخابات مجلس جدید برگزار شود. در پاسخ، پارلمان یلتسین را برکنار کرد و روتسکوی، معاون رئیس‌جمهور را که زمانی همدست یلتسین و در این موقع دشمن او بود، رئیس‌جمهور جدید نامید. پس از آنکه یلتسین پارلمان را تعطیل کرد، خاسبولاتف، رئیس پارلمان خواستار پشتیبانی مردم شد. به دنبال تلاش بی‌نتیجه رهبر ارتدکسهای روسیه برای میانجیگری، منازعه حالتی بحرانی گرفت. به تحریک راتسکوی، هواداران جناح پارلمان، از جمله پیروان الکساندر بارکشوف<sup>۵۳</sup> در اتحاد ملی روسیه فاشیست و جبهه نجات ملی یهودی ستیز، سنگر پلیس در اطراف پارلمان را درهم شکستند، دفتر شهردار مسکو را اشغال، و سپس به سوی ایستگاه تلویزیون استانکینو<sup>۵۴</sup> راهپیمایی کردند. ژنرال البرت ماکاشوف،<sup>۵۵</sup> که مانند دیگر رؤسای گروههای جناح راست پارلمان، «توطئه امپریالیست - صهیونیست» را تقبیح می‌کرد، رهبر آنها بود. نیروهای مستقر در ایستگاه تلویزیون که به یلتسین وفادار بودند، آن قدر جمعیت را معطل کردند تا یلتسین بتواند نیروی کافی برای اشغال خود ساختمان پارلمان و دستگیری رهبران نیروهای پارلمان، از جمله روتسکوی و خاسبولاتف فراهم آورد.

یلتسین توانست نیروهای پارلمان و خاسبولاتف و روتسکوی را همراه شماری از هواداران جناح راستشان شکست دهد؛ آنان موقتاً زندانی شدند. سپس یلتسین قانون اساسی مورد نظر خود را مطرح کرد که در آن اختیارات رئیس‌جمهور بسیار افزایش یافته بود.<sup>۵۶</sup> یلتسین همچنین درخواست کرد که همزمان با برگزاری انتخابات مجلس در ۱۲ دسامبر، به قانون اساسی نیز رأی داده شود. سازماندهی شماری از احزاب سیاسی برای انتخابات پارلمان آغاز گردید. آنها نه تنها احزاب حامی یلتسین، بلکه احزابی را در برمی‌گرفتند که مثل حزب لیبرال دموکرات به رهبری ولادیمیر ژیرینوفسکی، از کمونیستها و فاشیستها پشتیبانی می‌کردند. در برابر شگفتی یلتسین و دلخوری جنبش

کشاورزان روسی و صدور میوه و سبزی تازه از اسرائیل به روسیه قراردادی امضاء کرد.<sup>۶۸</sup> در ماه اوت، برای تسهیل انتقال ارز بین روسیه و اسرائیل، و تحکیم مناسبات مهاجران روسی در اسرائیل و روسیه، کارت تسهیلات اعتباری بهینه روسی، در اسرائیل عرضه شد. در ماه ژوئیه، گشایش شعبه بانک موستروی<sup>۶۹</sup> در تل آویو، نخستین بانک روسی که در اسرائیل دفتری باز کرد، نشانه دیگری از روابط اقتصادی گسترده بین دو کشور بود.<sup>۷۰</sup> گشایش دفتر روسی عملیات جدید اقتصادی در اسرائیل نیز به همین منظور بود؛ سازمانی که عمدتاً مرکب از مهاجران از شوروی سابق به اسرائیل بود که مالک تجارتخانه‌ای شده بودند.

گسترش روابط در جبهه فرهنگی نیز ادامه داشت: گاری کاسپارف،<sup>۷۱</sup> قهرمان روسی شطرنج جهان، در اکتبر از اسرائیل دیدار کرد؛ ایگور گابرنمن،<sup>۷۲</sup> هنرپیشه‌ای روسی که به اسرائیل مهاجرت کرده بود، برای دیداری به مسکو بازگشت؛ و انتشار روزنامه لیبرال روسی خبرهای مسکو در اسرائیل آغاز شد.<sup>۷۳</sup>

به موازات بهبود روابط اقتصادی و فرهنگی، روابط سیاسی نیز بین اسرائیل و روسیه گسترش می‌یافت. در سپتامبر، شوایچ ویس،<sup>۷۴</sup> رئیس کنیسه اسرائیل از مسکو دیدار کرد. در اکتبر، کوزیرف، وزیر امور خارجه روسیه، در مراسم مربوط به امضای قرارداد صلح بین اسرائیل و اردن شرکت جست. هم پافشاری کوزیرف در ایفای نقشی مهم در امضای قرارداد، و هم پیامی که او از سوی یلتسین در این مراسم خواند، نشان می‌داد که روسیه در پی بهره برداری از این رخداد برای مهم جلوه دادن نقش خود در روند صلح خاورمیانه است.<sup>۷۵</sup>

مایلم پیام خوشامد بوریس یلتسین، رئیس فدراسیون روسیه را به این گردهمایی برسانم. از نوشته بوریس یلتسین نقل می‌کنم که «رخداد امروز پیروزی چشمگیری در پی روند صلح مادرید است که بر پایه همکاری روسیه و ایالات متحده گسترش یافت. روسیه در نظر دارد پایان قطعی منازعه اعراب و اسرائیل را جلو ببرد، و از اجرای قراردادهای اسرائیل با اردن حمایت کند.»  
و به من اجازه دهید از طرف خودم ستایش شخصیتم را از شهامت سیاسی تمام حاضران در اینجا - سران کشورها و دولت‌های اردن و اسرائیل - ابراز کنم، و به شما اطمینان دهم که روسیه به عنوان یکی از پشتیبانان صلح، تا زمان برقراری صلحی پایدار در همه زمینه‌ها با شما و دیگران خواهد بود، و پس از آن نیز در ساختن یک زندگی به راستی موفق در این منطقه شما را رها نخواهد کرد. سهاسگزارم.<sup>۷۶</sup>

## نتیجه گیری

در نگاهی به سیاست روسیه نسبت به اسرائیل از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، می‌توان به چند نتیجه مقدماتی دست یافت. نخست، بین سیاست یلتسین نسبت به اسرائیل و سیاست شوروی در سه سال آخر دوره گورباچف، استمرار چشمگیری وجود دارد. در واقع به رغم انتقادات عناصر جناح راست در پارلمان روسیه، یلتسین در جهت بهبود روابط روسیه و اسرائیل کار کرده است، و از تلاش‌های ایالات متحده به منظور برقراری صلح بین اعراب و اسرائیل به شدت حمایت نموده است. در یک مورد، مسکو کوشید دیپلماسی مستقلی را اعمال کند، و آن پس از کشتار هبرون بود. ظاهراً دلیل این کار تمایل یلتسین به آرام کردن

عرفات و هم‌رابین را برای دیداری رسمی به مسکو دعوت کرد تا نقش مهم روسیه را به عنوان شریک در مسئولیت گفتگوهای صلح اعراب با اسرائیل باز نماید.

به نظر می‌رسید راهبرد یلتسین دنبال کردن این طرح باشد که اگر روسیه در دیپلماسی مربوط به تلاش در راه از سر گرفتن گفتگوهای صلح خیلی فعال شود، و همان‌گونه که انتظار می‌رفت عرفات نیز به میز مذاکره بازگردد، روسیه بتواند سهمش را در اعتبار دیپلماتیک ناشی از بازگرداندن عرفات ببرد. چنین نمایشی از نقش مرکزی روسیه در منطقه‌ای آشفته از دنیا، نه تنها بر اعتبار یلتسین می‌افزود، بلکه می‌توانست، مانند مورد بوسنی، رضایت خاطر منتقدان سرسخت او در پارلمان را فراهم آورد. در واقع پروادا که مدت‌ها از بدگویان تلخ زبان یلتسین، و پشتیبان سیاستمداران جناح راست روسیه بود، در ۱۵ مارس با نظر مثبت اشاره کرد که:

پیشنهاد‌های مسکو در مورد «مادرید ۲» واکنشی متناقض به بار آورده است. ساف از پیشنهادها حمایت کرده در حالی که اسرائیل آنها را رد نموده است. ایالات متحده نارضایتش را در واقع نه تنها از چنین پیشنهادهایی، بلکه از این واقعیت که روسیه راه خودش را برود ابراز داشته است. باید در نظر داشت که واشینگتن عادت کرده است در مورد اقدامات خود در زمینه سیاست خارجی، تنها فریادهای تأیید مسکو را بشنود.

جهان عرب اگر پیوسته ماهیت فعالیت کنونی روسیه در خاور نزدیک را نپذیرفته، دست کم شکل آن را تأیید کرده است. مطبوعات اشاره می‌کنند که امسال مسکو برای دومین بار مستقل از واشینگتن عمل کرده است: نخست در بوسنی، و اکنون در منازعه اعراب و اسرائیل. الشرق الاوسط در عربستان اعلام می‌دارد که «خرس روسی به صحنه بین‌المللی بازمی‌گردد.» و نه تنها خاورمیانه که مناطق دیگری در کره ما مدت‌ها در انتظار این واقعه بوده‌اند.<sup>۶۲</sup>

در حالی که این حرکت ناگهانی در دیپلماسی ممکن است وضع یلتسین را در داخل تقویت کرده باشد، به چند دلیل به مناسبات او با ایالات متحده یا اسرائیل آسیبی نرسد؛ [زیرا] نخست، یلتسین خیلی زود از برنامه «مادرید ۲» چشم پوشید. دوم، در آوریل ۱۹۹۴، پس از آنکه نیروهای بین‌المللی به گونه‌ای موقتی در هبرون مستقر شدند، ساف و اسرائیل گفتگوهای صلح را از سر گرفتند، و در ۴ مه به توافق دست یافتند. سوم، یلتسین و وزیر دفاعش پاول گراچف،<sup>۶۳</sup> در سفر رابین به مسکو در اواخر آوریل، به گرمی از او استقبال کردند،<sup>۶۴</sup> و یک رشته قرارداد، از جمله یک قرارداد تجاری مهم بین روسیه و اسرائیل به امضاء رسید. از نخست‌وزیر اسرائیل دعوت شد که در آکادمی ستاد مرکزی مسکو سخنرانی کند. در ضمن، یلتسین به رابین قول داد که با وجود قرارداد نظامی امضاء شده در ۲۷ آوریل<sup>۶۵</sup> بین روسیه و سوریه، تنها سلاح‌های دفاعی و قطعات یدکی به سوریه فروخته شود،<sup>۶۶</sup> و روسیه از نفوذش در سوریه استفاده کند تا اطلاعاتی درباره آن دسته از سربازان اسرائیلی که از زمان حمله ۱۹۸۲ به لبنان، هنوز مفقود بودند به دست آید.

تلاش یلتسین برای بهره‌گیری از موضع مسکو بعنوان یکی از تضمین‌کنندگان روند صلح مادرید، برای نمایش اهمیت روسیه در امور صلح جهانی، در طول تابستان و پاییز ۱۹۹۴ نیز ادامه داشت. روابط روسیه با اسرائیل هم در طول آن دوره بهبود یافت. در ژوئیه، وزیر کشاورزی اسرائیل یاکف تزور<sup>۶۷</sup> از مسکو دیدار کرد و برای آموزش

## □□ زیر نویس ها:

۱. برای تحلیل دوره پیش از گورباچف نگاه کنید به:  
Robert O. Freedman, **Moscow and the Middle East: Soviet Policy Since the Invasion of Afghanistan** (Cambridge) UK: Cambridge University Press, (1991).
۲. در مقاله زیر درباره اواخر دوره گورباچف بحث شده است:  
Robert O. Freedman, «Moscow and the Middle East After Iraq's Invasion of Kuwait», in Robert O. Freedman, ed. **The Middle East After Iraq's Invasion of Kuwait**, (Gainesville: University Press of Florida, 1993), pp. 74-136.
۳. در مورد یهودیان شوروی نگاه کنید به:  
Robert O. Freedman, **Soviet Foreign Policy Toward the United States and Israel in the Gorbachev Era**, in David H. Goldberg and Paul Maranta eds. **The Decline of the Soviet Union and the Transformation of the Middle East** (Boulder, CO: West view Press, 1994,) pp. 53-95.
۴. برای بررسی روابط اسرائیل با پنج کشور مسلمان آسیای میانه نگاه کنید به:  
Robert O. Freedman, «Israel and Central Asia», **Central Asian Monitor**, no.2 (1993), pp. 16-20.
۵. نگاه کنید به:  
Freedman, «Soviet Foreign Policy Toward the United States and Israel in the Gorbachev Era.»
۶. در ۱۵ فوریه ۱۹۹۲، پراودا به سیاست یلتسین اعتراض کرد. این روزنامه مدعی بود که یلتسین رابطه ای را با ایالات متحده ایجاد کرده که به اتحاد و قدرت برابر شباهتی ندارد، و بیشتر به «رابطه یک اسب با سوارش می ماند». نقل شده در  
FBIS: USSR, 21 February 1992, p.29.
۷. نگاه کنید به سخنرانی (Victor Posuvaliuk) معاون وزیر امور خارجه درامور خاورمیانه و آفریقا در  
Krasnaya Zvezda, 5 November 1992.  
نقل شده در  
Common wealth of Independent States of the Middle East (here after, CIS / ME) (Jerusalem: Hebrew University's Marjorie Mayrock Center for Soviet and East European Research) Vol. 17. no. 10 (1992), pp. 22-23.
۸. Moscow Radio, 29 Janvier 1992, cited in Foreign Broadcast Information Service Daily Report: Central Eurasia (here after, FBIS: FSU), 30 January 1992, p. 30.
۹. David Levy
۱۰. Andrei Kezyrev
۱۱. **Izvestia**, 31 January 1992. p. 30.
۱۲. نگاه کنید به گزارش زیر:  
**Jerusalem Post**, 28 January 1992, by Walter Ruby
۱۳. Yad Vashem
۱۴. Natan (Anatoly) Sharansky
۱۵. نگاه کنید به گزارش زیر:  
**Jerusalem Post**, 8 January, 1992, by Herb Keinon
- در مقابل ۱۴۵۰۰۵ نفر پناهنده در ۱۹۹۱ و ۱۸۱۷۵۹ نفر پناهنده در ۱۹۹۰، در ۱۹۹۲ فقط ۶۴۰۵۷ نفر به اسرائیل پناهنده شدند. دلیل اصلی این کاهش مهاجرت این بود که مهاجران جدید نمی توانستند مشاغلی متناسب با تخصصشان بیابند یا خانه مناسبی پیدا کنند. مهاجرت از اتحاد شوروی سابق به اسرائیل در ۱۹۹۳، ۶۹۱۳۲ نفر و در ۱۹۹۴، ۶۶۰۶۷ نفر بود.
- (New York Research Bureau, National Conference on Soviet Jewry, February 1995).
۱۶. Ruslan Khasbulatov
۱۷. Vladimir Zhirinovskiy
۱۸. Alexander Rutskoii
۱۹. نقل شده در گزارش:  
**Jerusalem Post**, 30 April 1992, by Dan Izenburg
۲۰. ITAR - TASS, May 1992, FBIS: FSU, May 1992, p.16.
۲۱. Moscow Radio, in Arabic, 17 July 1992, FBIS: FSU, 22 July 1992, p. 3.
۲۲. ITAR - TASS, 17 July 1992, FBIS: FSU, 17 July 1992, p. 18.

مخالفان داخلی خود از راه نمایش توانایی روسیه به اقدام مستقل به جای پیروی از تلاش صلح به رهبری ایالات متحده بود. در واقع، مسکو به سرعت از برنامه مستقل خود چشم پوشید و از پیمان ۴ مه اسرائیل و فلسطین با میانجیگری ایالات متحده پشتیبانی کرد.

دوم، با بررسی روابط روسیه و اسرائیل در دوره دسامبر ۱۹۹۱ تا اکتبر ۱۹۹۴، می توان گفت که روابط کاملاً خوب بوده است. از دیدگاه اسرائیل، روابط فرهنگی و اقتصادی به خوبی پیشرفت کرده است. به شمار زیادی از یهودیان روسی اجازه داده شد به اسرائیل مهاجرت کنند، و به این ترتیب پلی که روتسکوی در دیدار آوریل ۱۹۹۲ خود از اسرائیل شرح داده بود، بین دو کشور ساخته شد. روسیه پشتیبان منافع اسرائیل در روند صلح خاورمیانه بود و هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد روسیه به دشمنان اسرائیل در خاورمیانه سلاح اتمی می فروشد. در حال، ادامه فروش سلاحهای متعارف به ایران و سوریه از سوی مسکو، و تمایل روسیه در زمینه کمک به انتقال سلاح از کره شمالی به سوریه عاملی است که روابط روسیه و اسرائیل را خدشه دار می کند.<sup>۷۷</sup> از دیدگاه روسیه همکاری با اسرائیل منافی چند در برداشته است: نخست، همکاری اقتصادی اسرائیل، به ویژه در بخش کشاورزی، امید کمک به اقتصاد تحت فشار روسیه را زنده می کند. دوم، همکاری با اسرائیل، که در پی پیروزی رابین در ۱۹۹۲ با ایالات متحده آمریکا مناسبات بسیار نزدیکتری برقرار کرده بود، روابط روسیه با آمریکا را تقویت کرد. سرانجام موضع برجسته کوزیرف، وزیر امور خارجه شوروی، به هنگام امضای پیمان صلح اسرائیل و اردن بر اهمیت روسیه در امور بین المللی افزود و شاید حتی موضع یلتسین در داخل کشور را نیز تحکیم کرد.

سومین نتیجه گیری این است که سیاست های داخلی کنونی روسیه، اگر عامل مهمی نباشد، دست کم به صورت عاملی درخور توجه در سیاست خارجی آن کشور نسبت به اسرائیل درآمده است. نزدیکی روابط روسیه و اسرائیل یکی از اصلی ترین موارد انتقاد مخالفان پارلمانی یلتسین از او به شمار می رفت که در اوایل اکتبر ۱۹۹۳ همراه با عوامل یهود - ستیز و ضد اسرائیلی در پی سرنگون کردن او از قدرت بودند. یلتسین مخالفان پارلمانی خود را شکست داد. ولی ظهور جدی ژیرینوفسکی - یهود - ستیز و ضد اسرائیلی در انتخابات پارلمانی بعدی که در ۱۲ دسامبر برگزار شد، نشانه آن است که نیروهای مخالف برقراری روابط نزدیک بین روسیه و اسرائیل، هنوز در هیئت سیاسی روسیه نیرومندند.

سرانجام، در حالی که منازعه اعراب و اسرائیل در سیاست شوروی در خاورمیانه اهمیت زیادی داشت، در روسیه دوره یلتسین، روابط با اسرائیل و بیشتر کشورهای عرب - جز کشورهای عرب خلیج فارس که بازاری برای سلاحهای روسیه و منعی برای استقراض به شمار می روند - اهمیتی ثانوی دارد. مناسبات با «کشورهای همجوار» و چین، اروپا، و ایالات متحده از مهمترین اولویت های سیاست خارجی روسیه است.

روی هم رفته، از دیدگاه اسرائیل، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روابط با روسیه کاملاً رضایتبخش بوده است، گرچه دولت اسرائیل خواستار آن است که روسیه از نفوذ کاهش یافته خود برای واداشتن سوریه به صلح با اسرائیل استفاده کند.<sup>۷۸</sup> البته اگر نیروهای جناح راست در روسیه قدرت را به دست گیرند هم روابط روسیه با اسرائیل و هم روابط روسیه با ایالات متحده به شدت خراب می شود.



حزب کمونیست ۱۲/۲۵ درصد، حزب زنان روسیه ۸/۱ درصد، حزب کشاورزان که از سوی کمونیستها هدایت می‌شود ۷/۹ درصد از حزب اصلاح طلب پاولینسکی - بولدیرف لوکن بلاک (Yavlinsky - Boldyrev Lukin Bloc) ۷/۸۲ درصد، حزب وحدت روسیه که اصلاح طلب بود، ۶/۷۵ درصد و حزب دموکرات میانه‌رو ۵/۵ درصد از آراء را به دست آوردند.

**New York Times**, 24 December 1993.

58. Steve Erlanger, **New York Times**, 30 December 1993.

۵۹. نگاه کنید به گزارش زیر:

David Hoffman, **Washington Post**, 24 December 1993.

در دهه ۱۹۸۰، زیرینوفسکی در گروه یهودی «شالوم» (Shalom) نیز فعال بود، و آن سازمانی بود که کی.جی.بی برای مقابله با یک سازمان یهودی استقلال طلب برپا داشته بود که در سالهای واپسین حکومت گورباچف به وجود آمده بود. شیمون پرز، وزیر امور خارجه اسرائیل پیش بینی می‌کرد که پیروزی انتخاباتی زیرینوفسکی، موجب مهاجرت شمار بیشتری از یهودیان روسی می‌شود. نگاه کنید به:

David Makovsky and Batsheva Tsur, **Jerusalem Post**, 15 December 1993.

59. Slobadon Milosevic

60. Hebron

۶۱. برای واکنش رسمی روسها در برابر کشتار هبرون، که لحنی ملایم داشت، و اشاره می‌کرد که رهبران اسرائیل این واقعه را محکوم کرده‌اند، نگاه کنید به:

ITAR - TASS, 25 February 1994, FBIS: FSU, 28 February 1994, p. 19.

62. Pravda, 15 March 1993, FBIS: FSU, 16 March 1994, p. 8.

63. Pavel Grachev

64. Kol Israel (Voice of Israel) 26 April 1994, FBIS: FSU, 26 April 1994, p. 12.

65. INTERFAX, 27 April 1994, FBIS: FSU, 28 April 1994, p. 18.

66. Izvestia, 29 April 1994.

67. Yaakov Tsur

۶۸. نقل شده در

CIS/ ME, XIX no. 9-10 (1994) p. 32.

69. Mosstroik Bank

۷۰. نقل شده در

CIS / ME, XIX no. 9-10 (1994) p. 32.

در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴، در مصاحبه‌ای در سفارت روسیه در تل‌آویو، به نگارنده گفته شد که امضای قرارداد تجاری در آوریل مانع اصلی گسترش سریع تجارت بین روسیه و اسرائیل را از میان برداشته است.

71. Gary Kasparov

72. Igor Guberman

۷۳. نقل شده در

CIS / ME, XIX no. 9-10 (1994) p. 41.

74. Shevach Weiss

۷۵. به گزارش کانال ۱ تلویزیون اسرائیل در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴، بنا نبود کوزیرف در این مراسم سخنرانی کند، ولی خودش درخواست سخنرانی کرد، بنابراین شیمون پرز، وزیر امور خارجه اسرائیل نیز به عنوان سخنران در برنامه گنجانده شد.

۷۶. چاپ مجدد در:

Peace Between the State of the Israel and the Hashemite Kingdom of Jordan (Jerusalem: Ministry of Foreign Affairs, 1994). p. 53.

۷۷. در نوامبر ۱۹۹۳، یک دیپلمات کره شمالی که کوشیده بود گروه بزرگی از کارشناسان روسی در صنایع موشکی و فضایی را استخدام کند، اخراج شد. توجه به مناسبات کره با ایران و سوریه، اگر به این دانشمندان اجازه خروج داده می‌شد، احتمال داشت امنیت اسرائیل به خطر افتد. این واقعه در منابع زیر ذکر شده:

Radio Rossi, 15 November 1993, FBIS: FSU, 16 November 1993, p. 5.

در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۳ نیویورک تایمز فاش ساخت که هواپیماهای روسی سکوهاي پرتاب موشکهای SCUD را از کره شمالی به سوریه منتقل کرده‌اند. گزارش شده است که مسکو در آن زمان در برابر این اقدام که بی‌اطلاع وزارت امور خارجه انجام شده بود، واکنش شدید نشان داد. (مصاحبه با دیپلمات روسی، سفارت روسیه، تل‌آویو، ۱۲ ژانویه ۱۹۹۴).

۷۸. هم دیپلماتهای وزارت امور خارجه در بیت المقدس و هم دیپلماتهای سفارت روسیه در تل‌آویو، در اکتبر ۱۹۹۴، در مصاحبه‌هایی گفتند که در روابط بین روسیه و اسرائیل مسئله مهمی وجود ندارد و روابط کاملاً عادی شده است.

23. Viktor Posuvaliuk

24. ITAR - TASS, 24 July 1992, FBIS: FSU, 27 July 1992, p. 10.

25. ITAR - TASS, 14 August 1992, FBIS: FSU, 17 August 1992, p. 9.

26. Andrei Kozyrev

27. Yegor Gaidar

28. **Jerusalem Post**, 23 August 1992.

29. **Jerusalem Post**, 21 August 1992.

30. **Jerusalem Post**, 23 August 1992.

31. **New York Times**, 20 September 1992.

32. ITAR - TASS, 28 October 1992, FBIS: FSU, 29 October 1992, p. 11.

33. ITAR- TASS, 18 December 1992, FBIS - FSU, 21 December 1992, p. 22.

در شورای امنیت سازمان ملل، هم روسیه و هم ایالات متحده اخراج فعالان حماس را محکوم کردند.

34. Viktor Chernomyrdin

35. Chaim Bar - Lev

۳۶. نقل شده در مصاحبه با ناتاشا سینگر (Natasha Singer)

**Forward**, 1 January 1993.

۳۷. نقل شده در گزارشی از سرژ اشمرمن (Serge Schmermann)

**New York Times**, 26 January 1993.

38. ITAR - TASS, 5 January 1993, FBIS - FSU, 7 January 1993, p. 28.

هدف از واژه «دیگر» زمینه‌های همکاری در اصطلاح روسی، همکاری نظامی بود، و از اوایل سال ۱۹۹۰، شایعاتی در مورد خرید هواپیماهای نظامی روسی از سوی اسرائیل وجود داشت.

۳۹. همان.

40. Interfax, 1 February 1993, FBIS: FSU, 2 February 1993, p. 12.

بنا بود همکاری در زمینه‌های زیر صورت گیرد: کشاورزی، زیست‌تکنولوژی، ساختمان، اصلاح صنایع دفاعی، الکترونیک، حمایت از محیط زیست، زمین‌شناسی، پرورش دام، پزشکی، مهندسی نیرو، پژوهش فضایی و ترابری. به نظر می‌رسید در زمینه تجارت شرایط سهمیه‌بندی و تعرفه گمرکی اسرائیل مانعی در راه قرارداد است. (مصاحبه با دیپلمات روسی، سفارت روسیه، تل‌آویو، ۱۲ ژانویه ۱۹۹۲).

41. ITAR - TASS, 4 March 1993, FBIS: FSU, 4 March 1993, p. 14.

42. Yair Tsaban

43. Anatoly Sabchak

44. ITAR - TASS, 9 April 1993, FBIS: FSU, 13 April 1993, p. 14.

45. Pravda, 17 March 1993, (translated in CIS / ME, 18, no. 3. March 1993. p. 321.

46. Pravda, 24 April 1993, FBIS: FSU, 27 April 1993, p. 12.

در همه پرسى، در اصل مردم روسیه حق‌گزينش بين يلتسين و برنامه اصلاحی او از يك سو، و پارلمان از سوی دیگر را داشتند. در بی‌آن رویارویی شدیدی بین پارلمان و یلتسين رخ داد. یلتسين در همه پرسى پیروز شد.

47. Colonel Viktor Alksnis

۴۸. نقل شده در گزارش اویگدور اسکن (Avigdor Esken) در

**Jerusalem Post**, 9 June 1993.

۴۹. ایزوستیا که روزنامه‌ای هوادار یلتسين بود متظاهران سخنرانی را بین را ستود. نگاه کنید به:

**Izvestia**, 15 September, 1993.

50. ITAR - TASS, 14 September 1993, FBIS: FSU, 14 September 1993, p. 6.

51. Anatoly Adamshin

52. ITAR - TASS, 20 September 1993, FBIS - FSU, 21 September 1993, p. 14.

53. Alexander Barkshov

54. Ostankine

55. General Albert Makashov

۵۶. برای خلاصه اختیارات یلتسين در قانون اساسی جدید نگاه کنید به:

John Lloyd, **Financial Times**, 13 December 1993.

۵۷. حزب دموکرات لیبرال زیرینوفسکی ۲۲/۷۹ درصد، حزب مردم ۱۵/۳۸ درصد،